

تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۲/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۱۸

doi 10.22034/nf.2023.180993

نقش‌های مفعولی «را» در زبان فارسی: توصیفی پیکره‌بنیاد

آزاده میرزائی* (دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران)

چکیده: «را» در زبان فارسی، به لحاظ نحوی، نقش‌های مفعولی است. همراهی نقش‌های مفعولی «را» با مفعول صریح برای برخی از افعال الزامی است، اما در سایر موارد به نظر می‌رسد که امکان حضور یا عدم حضور آن در جمله با توجه به مفهوم گذرایی قابل تعریف باشد. در رویکرد هاپر و تامپسون (۱۹۸۰) گذرایی مفهومی پیوستاری و به‌عنوان ویژگی بند (و نه فقط به‌عنوان ویژگی فعل) در نظر گرفته می‌شود. براین اساس، علاوه بر ویژگی‌های افعال، ویژگی‌های فاعل و مفعول هم در میزان گذرایی نقش دارند. طبق تعریف هاپر و تامپسون، اگر مفعول کنش‌پذیر، اسم خاص، انسان (جاندار)، عینی، مفرد و اسم قابل شمارش و ارجاع‌پذیر باشد، بند مورد نظر گذراتر است. در این پژوهش با اتکا به این رویکرد تلاش شد تا وضعیت «را» در زبان فارسی مورد بررسی قرار گیرد. فرضیه این پژوهش بر این استوار بود که باید میان حضور «را» و گذرایی بند رابطه‌ای وجود داشته باشد. برای بررسی این فرضیه از پیکره وابستگی نحوی زبان فارسی (Rasooli et al., 2013) استفاده شد. این پیکره با حجمی حدود نیم میلیون کلمه و سی هزار جمله، حاوی برچسب‌های مختلف نحوی است که به‌صورت دستی برچسب‌گذاری شده‌اند. تعداد مفعول‌های مشخص‌شده در این پیکره حدود بیست هزار مورد است. بررسی‌های این پژوهش نشان داد پربسامدترین مفعول «را» بی، مفعول‌های اسمی مفرد بی‌جان است و در بحث معرفگی، اسم‌های معرفه و ضمائر مفعولی تمایل دارند که با «را» همراه شوند.

کلیدواژه‌ها: مفعول صریح، گذرایی، نقش‌های مفعولی، زبان فارسی.

* azadeh.mirzaei@atu.ac.ir

۱. مقدمه

مفهوم گذرایی در دستور سنتی به‌عنوان ویژگی افعال و با توجه به مشخصه‌های معنایی آنها تعریف می‌شود. در این معنا افعالی که یک فاعل کنشگر دارند و کنش فعلی از طریق فاعلشان به شرکت‌کننده دیگری می‌رسد، گذرا هستند. به شرکت‌کننده دوم در این تعریف مفعول گفته می‌شود. هاپر و تامپسون (۱۹۸۰) گذرایی را مفهومی پیوستاری و به‌عنوان ویژگی بند در نظر می‌گیرند. براین اساس، در بندهای گذرا یک فعل معلوم و دست‌کم دو شرکت‌کننده حضور دارند که میزان گذرایی بند با توجه به ویژگی‌های این شرکت‌کنندگان و البته فعل جمله مشخص می‌شود. هاپر و تامپسون (۱۹۸۰) در بیان ویژگی‌های مفهوم گذرایی از پارامترهای ده‌گانه‌ای سخن به میان می‌آورند که براساس آنها می‌توان در خصوص میزان گذرایی بندهای مختلف اظهار نظر کرد. بخشی از این پارامترها ویژگی‌های فعل جمله هستند و برخی دیگر به ویژگی‌های فاعل و مفعول اشاره می‌کنند. در این پژوهش تلاش می‌شود تا با بررسی پیکره‌بنیاد و با توجه به رویکرد هاپر و تامپسون، در بیان ویژگی‌های مفعول در موضوع گذرایی، به نقش «را» و تأثیر حضور آن در جمله بپردازیم. براین اساس، در ادامه، ابتدا رویکرد هاپر و تامپسون در این موضوع معرفی می‌شود و سپس بازنمایی مفعول و «را»ی مفعولی در پیکره وابستگی نحوی زبان فارسی (Rasooli et al., 2013) بررسی می‌گردد. این پیکره با حجمی حدود نیم میلیون کلمه و سی هزار جمله، حاوی ۶۲۸۰۰ فعل است. هاپر و تامپسون گذرایی را به‌عنوان ویژگی کل بند در نظر می‌گیرند و بر این باورند که علاوه بر فعل، ویژگی‌های فاعل و مفعول هم در میزان گذرا بودن بند نقش دارند. آنها ده مؤلفه را برای این منظور معرفی می‌کنند که از میان آنها شش مؤلفه مربوط به فعل، یک مورد مربوط به تعداد موضوع‌ها، یک مورد مربوط به فاعل و دو مؤلفه مربوط به مفعول است. به باور آنها، اگر فعل جمله کنشی،^۱ کرانمند،^۲ لحظه‌ای،^۳ ارادی،^۴ واقعیت‌گرا^۵ و مثبت^۶ باشد، میزان گذرایی نسبت به زمانی که فعل ایستا، غیرلحظه‌ای، غیرارادی، غیرواقعی و منفی است، بالاتر است. در بحث فاعل، هرچه کنشگری بیشتر باشد و در خصوص مفعول، هرچه کنش‌پذیری بالاتر باشد؛ یعنی هرچه مفعول بیشتر تحت تأثیر کنش باشد و همچنین منحصر به فردتر^۷ باشد، بند گذراتر است. مفعول‌هایی منحصر به فرد به شمار می‌روند که خاص،^۸ جاندار (و به‌ویژه انسان)، عینی،^۹ مفرد، قابل شمارش^{۱۰} و ارجاع‌پذیر^{۱۱} (مشخص)^{۱۲} باشند.

1. active	2. telic	3. punctual	4. volitional
5. realist	6. affirmative	7. Individuated	8. proper
9. concrete	10. count	11. referential	12. definite

در زبان فارسی، درخصوص موضوع گذرایی، بحث مفعول و پس‌اضافه «را» پژوهش‌هایی صورت گرفته است که از جمله آنها می‌توان به راسخ‌مهند (۱۳۸۶)، راسخ‌مهند و ایزدی‌فر (۱۳۹۰)، بهرامی و همکاران (۱۳۹۲)، هوشمند (۱۳۹۵)، باباسالار (۱۳۹۳) و راسخ‌مهند و محمدی‌راد (۱۳۹۴) اشاره کرد. اما مرتبط‌ترین مطالعه با پژوهش حاضر، مقاله «پیرامون 'را' در زبان فارسی» دبیرمقدم (۱۳۶۴/۱۳۹۹) است. دبیرمقدم در این مقاله پس از مرور مفصل پیشینه مرتبط و بررسی سیر تحول پس‌اضافه «را» از دوره فارسی باستان، فارسی میانه و فارسی قدیم تا فارسی معاصر، به بیان کارکردهای نحوی و کلامی امروزی «را» پرداخته است و بیان می‌کند که «را» در گذشته نقش‌های نحوی گوناگونی داشته، ولی در حال حاضر در نقش نحوی حالت‌نمای مفعول صریح تثبیت شده و علاوه بر آن، در فارسی امروز به‌عنوان علامتی برای مبتدای ثانویه، وظیفه کلامی را نیز به عهده گرفته است.

۲. تحلیل داده‌ها

در پیکره وابستگی نحوی زبان فارسی، روابط نحوی و صرفی، به‌صورت دستی و با نظارت کاربر انسانی مشخص و برچسب‌گذاری شده‌اند. در این پیکره که بر مبنای رویکرد وابستگی (Tesnière 1980) تهیه شده، فعل جمله هسته اصلی جمله است و تمام واژه‌های جمله با واسطه یا بی واسطه از وابسته‌های فعلی به شمار می‌روند.

یکی از برچسب‌های نحوی در این پیکره، مفعول صریح است. در این مجموعه داده حدوداً بیست هزار مفعول صریح حضور دارد. برای بررسی رفتار «را»، به‌عنوان نقش‌نمای مفعولی، در این پژوهش، ابتدا گزارشی از مفعول‌های اسمی بدون «را» و با «را»، وضعیت اسم‌های در جایگاه مفعول به‌لحاظ جاننداری، شمار و معرفگی، مفعول‌های ضمیری بدون «را» و با «را»، وضعیت ضمیرهای در جایگاه مفعول به‌لحاظ جاننداری و شمار ارائه می‌شود. سپس، این گزارش با توجه به آنچه از مفعول‌های «را» بی‌انتظار می‌رود، و پارامترهای معرفی شده از سوی هاپر و تامپسون مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۲-۱. مفعول‌های اسمی

بررسی مفعول‌های اسمی موجود در پیکره این پژوهش حاکی از آن است تعداد مفعول‌های صریح با «را» تقریباً دو برابر مفعول‌های صریح بدون «را» است (جدول ۱).

جدول ۱- تعداد مفعول‌های اسمی «را» بی و بدون «را»

۵۴۹۳	مفعول‌های اسمی بدون «را»
۱۳۰۳۵	مفعول‌های اسمی با «را»

در پیکره وابستگی نحوی زبان فارسی برای هر اسم دو ویژگی جاننداری و شمار مشخص و برچسب‌گذاری شده است. از همین رو، برای مفعول‌های اسمی نیز می‌توان این دو موضوع را در ارتباط با وضعیت حضور «را» بررسی کرد. بررسی داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که در میان مفعول‌های اسمی بدون «را»، تعداد مفعول‌های بی‌جان از تعداد مفعول‌های جاندار بسیار بالاتر است (۲۵ برابر). این نسبت در خصوص مفعول‌های اسمی با «را» هم به همین ترتیب است. به بیان دیگر، به‌طور کلی در مفعول‌های اسمی، تعداد مفعول‌های بی‌جان بیشتر از تعداد مفعول‌های اسمی جاندار است، اگرچه تعداد کلی مفعول‌های اسمی بی‌جان با «را» دو برابر مفعول‌های اسمی بی‌جان بدون «را» است (جدول ۲).

جدول ۲- جاننداری و مفعول صریح

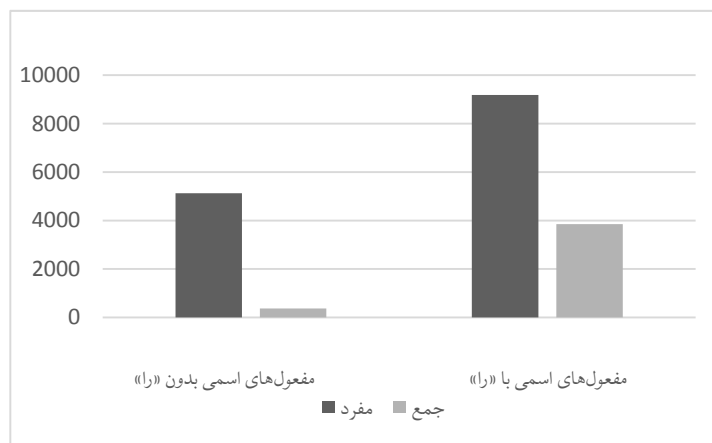
۲۰۶	جاندار	۵۴۹۳	مفعول‌های اسمی بدون «را»
۵۲۸۷	بی‌جان		
۱۸۵۷	جاندار	۱۳۰۳۵	مفعول‌های اسمی با «را»
۱۱۱۷۸	بی‌جان		

موضوع قابل بررسی دیگر در این خصوص بحث شمار است. بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که تعداد مفعول‌های اسمی مفرد، با ۱۴۳۰۷ بار حضور به‌مراتب بالاتر از مفعول‌های اسمی جمع با ۴۲۲۱ بار حضور است. بالاتر بودن مفعول‌های اسمی مفرد نسبت به جمع، در مفعول‌های با «را» و بدون «را» هم دیده می‌شود.

جدول ۳- شمار و مفعول صریح

۵۱۲۵	مفعول‌های اسمی مفرد بدون «را»	۵۴۹۳	مفعول‌های اسمی بدون «را»
۳۶۸	مفعول‌های اسمی جمع بدون «را»		
۹۱۸۲	مفعول‌های اسمی مفرد با «را»	۱۳۰۳۵	مفعول‌های اسمی با «را»
۳۸۵۳	مفعول‌های اسمی جمع با «را»		

در مفعول‌های اسمی با «را» تعداد مفعول‌های اسمی مفرد (با ۹۱۸۲ بار حضور) بیش از دو برابر مفعول‌های اسمی جمع (با ۳۸۵۳ بار حضور) و در مفعول‌های اسمی بدون «را» تقریباً ۱۴ برابر مفعول‌های اسمی جمع بدون «را» است (جدول ۳).



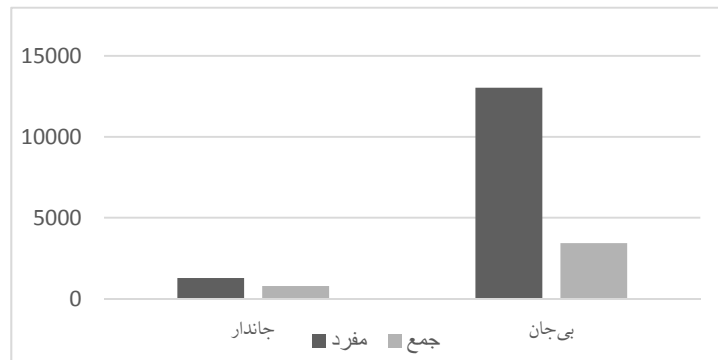
نمودار ۱- رابطه شمار و حضور «را»ی مفعولی

تلفیق ویژگی جاننداری با شمار، نتایج قابل تأمل دیگری را به دست می‌دهد که خلاصه آن در جدول شماره (۴) ذکر شده است.

جدول ۴- جاننداری، شمار و مفعول صریح

۱۷۲	جاندار	۵۱۲۵	مفعول‌های اسمی مفرد بدون «را»	۵۴۹۳	مفعول‌های اسمی بدون «را»
۴۹۵۳	بی جان				
۳۴	جاندار	۳۶۸	مفعول اسمی جمع بدون «را»		
۳۳۴	بی جان				
۱۱۰۱	جاندار	۹۱۸۲	مفعول اسمی مفرد با «را»	۱۳۰۳۵	مفعول‌های اسمی با «را»
۸۰۸۱	بی جان				
۷۵۲	جاندار	۳۸۵۳	مفعول اسمی جمع با «را»		
۳۱۰۱	بی جان				

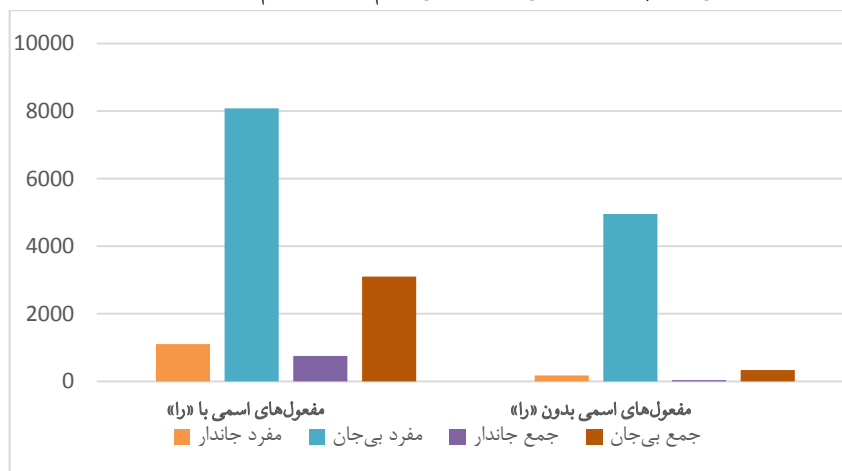
آن‌چنان که در جدول بالا دیده می‌شود، تعداد مفعول‌های اسمی جاندار، به‌طورکلی، در این مجموعه داده از تعداد بی‌جان‌ها کمتر است. از تلفیق مشخصه شمار با جاننداری معلوم می‌شود که تعداد مفعول‌های اسمی جاندار مفرد ۱۲۷۳ و تعداد جاندارهای جمع ۷۸۶ مورد است. همچنین، تعداد مفعول‌های اسمی بی‌جان مفرد ۱۳۰۳۴ و تعداد بی‌جان جمع ۳۴۳۵ مورد است. این یعنی تعداد مفعول‌های اسمی بی‌جان مفرد از بقیه وضعیت‌ها بسیار بالاتر هستند.



نمودار ۲- رابطه شمار و جاننداری در مفعول‌های اسمی

رابطه تلفیق دو مفهوم شمار و جاننداری با حضور یا عدم حضور «را» نشان می‌دهد که به‌طور کلی، تعداد مفعول‌های اسمی با «را» در شرایطی که آن اسم مفرد بی‌جان است، از باقی موارد بیشتر است و اگر بخواهیم تمامی امکانات ظهور مفعول اسمی با «را» را با هم و در کنار هم قرار دهیم، سلسله‌مراتب زیر به دست می‌آید:

مفعول‌های اسمی مفرد بی‌جان < جمع بی‌جان < مفرد جاندار < جمع جاندار.
در خصوص مفعول‌های بدون «را» هم دقیقاً همین نسبت برقرار است، با این تفاوت که تعداد کل این مفعول‌های بدون «را» نسبت به مفعول‌های با «را» به‌شکل قابل توجهی کمتر هستند. نمودار زیر وضعیت انواع مفعول‌های اسمی را در پیکره وابستگی زبان فارسی با هم و در کنار هم به تصویر کشیده است.



نمودار ۳- شمار و جاننداری مفعول‌های اسمی با «را» و بدون «را»

موضوع دیگر در این بخش، بحث معرفگی است. برای بررسی رابطه معرفگی و امکان حضور «را»، رفتار مفعول‌های اسمی که پیش‌توصیفگر اشاره (شامل این، آن، همین و همان) دارند، مورد توجه قرار می‌گیرد. دلیل جست‌وجوی چنین توالی‌ای این است که صفات اشاره به‌عنوان معرفه‌سازهای اسمی می‌توانند اسم مورد نظر را ارجاع‌پذیر کنند. نتایج این جست‌وجو در جدول شماره (۵) ارائه شده است.

جدول ۵- معرفگی و مفعول صریح

۳	جاندار	۲۲	صفت اشاره + مفعول اسمی بدون «را»
۱۹	بی‌جان		
۵۱	جاندار	۶۵۲	صفت اشاره + مفعول اسمی با «را»
۶۰۱	بی‌جان		

همان‌طور که مشخص است، اسم‌های همراه با پیش‌توصیفگر اشاره، وقتی در جایگاه مفعول قرار می‌گیرند، تمایل دارند که با «را» همراه شوند؛ یعنی از ۶۷۶ مورد حضور این نوع مفعول، تنها ۲۲ مورد بدون «را» ظاهر شده است. علاوه بر آن، بررسی دقیق‌تر و جمله‌به‌جمله مفعول‌های بدون «را» در این موضوع نشان می‌دهد که برخی از مثال‌های این بخش به سبک خاصی از زبان تعلق دارند (۱۵ مورد) و بخش دیگری از آنها (۷ مورد) اساساً گروه اسمی معرفه نیستند. تعدادی از این نمونه‌ها در زیر فهرست شده‌اند.

- (۱) تا زلیخا آن عزیز مصر دید، ناز آورد، غمزه کرد، سوش دويد.
- (۲) او این گنج به رنج خویش یافته است.
- (۳) آن مرامی که مطابق با حق نیست، ابطال می‌کنیم.
- (۴) هر آنچه در مزرعه این دنیا می‌کاریم، در دار باقی آخرت درو خواهیم کرد.

در جمله اول «آن عزیز مصر» در جایگاه مفعول صریح است و به‌رغم حضور پیش‌توصیفگر «این»، این گروه اسمی بدون «را» ظاهر شده است، اما مشخص است که هم این جمله و هم دو جمله بعد از آن به زبان خودکار تعلق ندارند. جمله (۴) در گفتار و نوشتار امروز زبان فارسی هم دیده می‌شود، اما آن‌چنان که مشخص است، گروه اسمی «هر آنچه» به‌عنوان هسته اسمی ساخت موصولی آزاد، معرفه نیست. جست‌وجوی مرتبط دیگری که در این بخش صورت گرفت، مربوط به توالی پیش‌توصیفگر «یک» و اسم در جایگاه مفعول بود. بدیهی است که در این توالی، «یک» می‌تواند به‌عنوان عدد کاربرد داشته باشد. با توجه به این مسئله، بررسی این بخش روی مواردی صورت گرفت که در آنها «یک» معنای عددی ندارد. نتایج بررسی‌ها در این بخش حاکی از آن بود که این توالی وقتی در جایگاه مفعول قرار

می‌گیرد، هم می‌تواند با «را» همراه شود و هم می‌تواند بدون «را» باشد. تعداد مفعول‌های اسمی با «را» در این بخش ۱۱۲ و موارد بدون «را» ۱۱۶ مورد بود. در ادامه چند نمونه مثال ارائه شده است. سه مثال اول از توالی‌های «را» و یک مورد بعدی از توالی‌های بدون «را» است.

(۵) یک نکته را باید مدّ نظر بگیریم.

(۶) وقتی یک بیمار را جراحی می‌کنید، تعدادی از سلول‌های آن بهبود می‌یابند.

(۷) وقتی یک صحنه را توصیف می‌کنید، حواشی و اطرافش را هم وصف می‌کنید.

(۸) چگونه می‌توان یک فیلم با زیرنویس رایت کرد؟

۲-۲. مفعول‌های ضمیری

بخش دوم بررسی‌های این پژوهش به مفعول‌های ضمیری اختصاص دارد. اهمیت این بخش از آن جهت است که ضمایر به‌عنوان عناصر معرفه در زبان به کار می‌روند و در نتیجه، با بررسی آنها می‌توان مفهوم معرفگی را بار دیگر در ارتباط با حضور یا عدم حضور «را» مورد بررسی قرار داد.

در پیکره وابستگی نحوی زبان فارسی، ضمایر با هفت عنوان شامل ضمایر شخصی جدا، شخصی پیوسته، اشاره، بازتابی مشترک، بازتابی غیرمشترک، متقابل و پرسشی مشخص شده‌اند. از این هفت نوع ضمیر، ضمایر پرسشی و ضمایر متقابل در کمتر از ۲۵ مورد در جایگاه مفعول قرار گرفته‌اند و از همین رو، در این بررسی نادیده گرفته شده‌اند. علاوه بر آن، به جهت بحث پیوسته‌نویسی و الزام داشتن میزبان برای مفعول‌های شخصی پیوسته، این گروه از ضمایر در بخشی جدا از سایر ضمایر (که نیازی به حضور میزبان ندارند) بررسی می‌شوند.

جدول شماره (۶) گزارش آماری از مفعول‌های ضمیری و امکان حضور «را» با این گروه از مفعول‌ها را در پیکره وابستگی زبان فارسی نشان می‌دهد. همان‌طور که در این گزارش مشخص است، تعداد حضور این گروه از مفعول‌ها، بدون همراهی «را» بسیار کم است، به نحوی که از ۲۰۹۲ مفعول ضمیری (شخصی جدا، شخصی پیوسته، اشاره، بازتابی مشترک و غیرمشترک) تنها ۲ مفعول بدون همراهی «را» در پیکره ظاهر شده‌اند.

جدول ۶- مفعول‌های ضمیری «را»یی و بدون «را» در پیکره وابستگی زبان فارسی

فرآوانی	نوع ضمیر
۱۲۲۶	ضمیر شخصی جدا با «را»
۰	ضمیر شخصی جدا بدون «را»
۵۴۳	ضمیر اشاره با «را»
۱	ضمیر اشاره بدون «را»

۲۳۰	ضمیر بازتابی مشترک با «را»
۱	ضمیر بازتابی مشترک بدون «را»
۹۰	ضمیر بازتابی غیرمشترک با «را»
۰	ضمیر بازتابی غیرمشترک بدون «را»

در این میان، ضمیر شخصی جدا و ضمایر بازتابی غیرمشترک هیچ‌گاه بدون «را» در این پیکره دیده نشده‌اند، اما ضمایر اشاره و ضمایر بازتابی مشترک هرکدام در یک جمله، بدون حضور «را»، در جایگاه مفعول قرار گرفته‌اند. این دو نمونه جمله در ادامه قابل مشاهده هستند:

(۹) تو که با دل ما این کردی یوسف، فاطمه قیامت بکند.

(۱۰) خویشان از دنیا بازگرفته‌ام.

در جمله شماره (۹)، «این» و در جمله شماره (۱۰)، «خویشان» به‌عنوان مفعول‌های بدون «را» ظاهر شده‌اند و به نظر می‌رسد که به سبک خاصی از زبان تعلق دارند و در گفتار روزمره کاربرد ندارند. به‌رروی، آن‌طور که بررسی داده‌ها نشان می‌دهد، در زبان فارسی مفهوم معرفگی و حضور «را»ی مفعولی با هم نسبت مستقیم دارند و ضمایر (به‌عنوان عناصر معرفه زبان) به شرط حضور «را» در جایگاه مفعول قرار می‌گیرند. لازم به یادآوری است که ارتباط حضور «را» و مفهوم معرفگی در مفعول‌های اسمی هم در بخش پیشین تأیید شد.

موضوع بعدی بحث، ضمایر شخصی پیوسته است. رفتار ضمایر شخصی مفعولی تا حدودی متفاوت از ضمایر پیش‌گفته است. بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که از ۳۴۹ بار حضور ضمیر شخصی پیوسته در جایگاه مفعول، در ۱۹۳ مورد از موارد، مفعول ضمیری با «را» همراه شده و در ۱۵۵ مورد باقی مانده، ضمیر شخصی پیوسته بدون «را» ظاهر شده است (جدول ۷).

جدول ۷- ضمایر شخصی پیوسته در جایگاه مفعول در پیکره وابستگی نحوی زبان فارسی

۱۹۳	ضمیر شخصی پیوسته با «را»
۱۵۵	ضمیر شخصی جدا بدون «را»

در مواردی که مفعول ضمیری با «را» همراه است، حضور «را» مربوط به زمانی است که ضمیر اول شخص مفرد به‌صورت -ma و در ترکیب «مرا» حاضر شده است.

(۱۱) چشم خود را باز کن تا مرا مشاهده کنی.

در سایر موارد، ضمیر پیوسته می‌زبان دیگری به‌جز «را» دارد و به همین دلیل، امکان همراهی «را» از آن سلب می‌شود. بررسی مفعول‌های ضمیری پیوسته بدون «را» نشان می‌دهد که این

ضمایر عمدتاً به فعل و یا فعلیاری (جزء غیر فعلی فعل‌های مرکب) متصل می‌شوند. و تنها در تعداد معدودی از این موارد، مفعول‌های ضمیری پیوسته بدون «را» می‌زبان دیگری دارند. در زیر دو مورد از این موارد ذکر شده و نقش می‌زبان‌ها در جلوی هر مثال مشخص گردیده است (لازم به ذکر است که این دو جمله به گونه تاریخی و فارسی نو تعلق دارند).

(۱۲) خداوندا از آن‌م قرار ده که... (اتصال ضمیر متصل «ش» به متمم حرف اضافه).

(۱۳) تنهایی آن سیگاری است که هیچ‌گاه حواله جاسیگاری اش نمی‌کنم... (اتصال ضمیر متصل «ش» به مفعول غیر صریح).

در بحث مفعول‌های ضمیری، موضوع شمار هم قابل بررسی است (جدول ۸). بررسی وضعیت شمار در این گروه از ضمایر نشان می‌دهد که به‌طور کلی، نسبت ضمایر مفرد مفعولی بیش از ضمایر جمع است و از آنجاکه ضمایر مفعولی پیوسته عمدتاً با «را» همراه می‌شوند، می‌توان گفت که تعداد ضمایر پیوسته مفرد در جایگاه مفعول و در حالتی که با «را» همراه شده‌اند، الگوی غالب در زبان فارسی است. البته، باید گفت که در مقایسه با مفهوم معرفگی، موضوع شمار در خصوص ضمایر پیوسته الگوی قابل توجه خاصی را به دست نمی‌دهد.

جدول ۸- رابطه شمار مفعول ضمیری و حضور «را»

۷۴۵	مفرد	۱۲۲۶	ضمیر شخصی جدا با «را»
۴۷۹	جمع		
-	-	۰	ضمیر شخصی جدا بدون «را»
۴۳۸	مفرد	۵۴۳	ضمیر اشاره با «را»
۱۰۵	جمع		
۲	مفرد	۲	ضمیر اشاره بدون «را»
-	-	۲۳۰	ضمیر بازتابی مشترک با «را»
-	-	۱	ضمیر بازتابی مشترک بدون «را»
۵۰	مفرد	۹۰	ضمیر بازتابی غیر مشترک با «را»
۴۰	جمع		
-	-	۰	ضمیر بازتابی غیر مشترک بدون «را»
۱۹۳	مفرد	۱۹۳	ضمیر شخصی پیوسته با «را»
۰	جمع		
۱۱۵	مفرد	۱۵۵	ضمیر شخصی پیوسته بدون «را»
۴۰	جمع		

۳. بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش‌های صورت‌گرفته درخصوص «را»ی مفعولی در زبان فارسی، در بسیاری موارد بر این نکته تأکید شده است که همراهی «را» با مفعول صریح به معنای آن است که مفعول اسمی، معرفه یا مشخص است (صادقی ۱۳۴۹؛ Karimi 1989). البته لازم به ذکر است که دبیرمقدم (۱۳۶۴/۱۳۹۹) با ارائه مواردی از همراهی «را» با مفعول صریح نکره، این موضوع را مورد تردید قرار داده است. همچنین، بررسی داده‌های زبان فارسی نشان می‌دهد که تنها در برخی از افعال متعدی، مفعول الزاماً باید با «را» همراه شود و در سایر موارد امکان حضور یا عدم حضور «را» در همراهی با مفعول وجود دارد. این سابقه در زبان فارسی و رویکرد هاپر و تامپسون (۱۹۸۰) در تعریف گذرایی، انگیزه‌ای برای بررسی وضعیت حضور «را» در زبان فارسی براساس مطالعه‌ای پیکره‌بنیاد در این پژوهش بوده است.

همان‌طور که گفته شد، در نگاه هاپر و تامپسون (۱۹۸۰، ص ۲۵۳) در بحث تأثیرگذاری مفعول در میزان گذرایی بند، هرچه کنش‌پذیری بالاتر باشد؛ یعنی هرچه مفعول بیشتر تحت تأثیر کنش باشد و همچنین منحصر به فردتر باشد، بند گذراتر است. مفعول‌هایی منحصر به فرد به شمار می‌روند که خاص، جاندار، عینی، مفرد، قابل شمارش و ارجاع‌پذیر (مشخص) باشند. در بررسی پیکره‌بنیاد این پژوهش سه مفهوم شمار، جاننداری و معرفگی در ارتباط با مفعول قابل بررسی بود.

نتایج این بررسی‌ها نشان داد که در پیکره این پژوهش مفعول‌های اسمی با «را» تقریباً دو برابر مفعول‌های اسمی بدون «را» هستند. در موضوع جاننداری تعداد مفعول‌های بی‌جان «را»یی تقریباً دو برابر مفعول‌های جاندار «را»یی بودند و تعداد کلی آنها از تعداد مفعول‌های بی‌جان بدون «را» بالاتر بود، اما در هر حال، در مفعول‌های بدون «را» هم اسامی بی‌جان و جاندار وجود داشت و اتفاقاً نسبت بی‌جان‌ها بالاتر از جاندارها بود. هاپر و تامپسون درخصوص جاننداری بر این باور هستند که مفعول‌های جاندار سبب می‌شوند که گذرایی بند بالاتر باشد. با توجه به نتایج حاصل از بررسی‌های پژوهش، نمی‌توان به‌طور قطع درخصوص ارتباط حضور «را» و جاننداری اظهار نظر کرد.

در موضوع شمار، تعداد مفعول‌های اسمی مفرد «را»یی بیشتر از مفعول‌های جمع «را»یی و مفرد و جمع بدون «را» بودند. اما در این بخش هم نسبت مشابهی در مفعول‌های بدون «را» دیده می‌شد؛ یعنی در اینجا هم مفعول‌های مفرد بیش از جمع‌ها بودند. هاپر و تامپسون درخصوص شمار معتقدند که مفعول مفرد در گذرایی بند مؤثرتر است. به این ترتیب، در موضوع شمار هم اگرچه که تعداد مفعول‌های مفرد «را»یی از دیگر موارد بسیار بالاتر بود، اما وجود پرشمار امکانات دیگر در این موضوع سبب شد که باز هم نتوان به تصمیم قطعی درخصوص ارتباط حضور «را» و موارد شمار رسید.

در موضوع معرفگی، هم در بخش مفعول‌های اسمی و هم در بخش مفعول‌های ضمیری، رابطه حضور «را» و معرفگی تأیید شد. در بخش مفعول‌های اسمی، مفعول‌های معرفه (گروه‌های اسمی

همراه با پیش‌توصیفگر اشاره) عمدتاً با «را» ظاهر می‌شدند و تنها تعداد محدودی از این موارد همراه با «را» نبود. به این ترتیب، ارتباط حضور «را» و معرفگی تأیید شد. این وضعیت در خصوص ضمایر مفعولی (به‌عنوان عناصر معرفه دیگر زبان) هم همین نتیجه را به دست داد. بررسی دیگری که در همین موضوع صورت گرفت، امکان همراهی «را» با مفعول‌های نامشخص بود. نتایج در این بخش متفاوت با بخش قبلی بود؛ یعنی اسم‌های نامشخص تقریباً همان قدر که بدون «را» ظاهر می‌شدند، با «را» هم امکان حضور داشتند. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که مفعول‌های معرفه تمایل به حضور «را» دارند، اما مفعول‌های نامشخص حضور و همراهی «را» را محدود نمی‌کنند.

نهایتاً، می‌توان گفت که حضور «را» با اسامی معرفه از الگوهای غالب در زبان فارسی است، اما بآنکه در موضوع جاننداری و شمار می‌توان از تمایل غالب حضور «را» با اسامی بی‌جان و مفرد صحبت کرد، ولی نمی‌توان از الگوی غالب و یکدست زبان فارسی سخنی به میان آورد، ضمن آنکه در اسم‌های نامشخص هم هر دو امکان همراهی و عدم همراهی «را» وجود دارد.

منابع

- باباسالار، اصغر، «کاربردهای خاص «را» در برخی متون فارسی»، ادب فارسی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران)، ش ۱، دوره ۳، ۱۳۹۳، ص ۱۸۱-۱۹۶.
- بهرامی، فاطمه، والی رضایی و عادل رفیعی، «معرفگی و نمایه‌سازی مفعول در زبان فارسی»، پژوهش‌های زبانی، ۴(۲)، ۱۳۹۲، ص ۱-۲۰.
- دبیرمقدم، محمد، «پیرامون 'را' در زبان فارسی»، زبان‌شناسی: منظری ایرانی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران ۱۳۹۹/۱۳۶۴، ص ۱۲۳-۱۸۸.
- راسخ‌مهند، محمد، «مفعول‌نمایی افتراقی در برخی زبان‌های ایرانی»، گویش‌شناسی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان) ش ۶، ۱۳۸۶، ص ۲-۳۲.
- _____ مسعود محمدی‌راد، «تأثیر گذرایی بر ساخت جمله در زبان فارسی»، پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، ۵(۹)، ۱۳۹۴، ص ۱-۴۷.
- _____، راحله ایزدی‌فر، «تأثیر معرفگی بر نشانه‌مفعولی در زبان‌های تاتی، تالشی و بلوچی»، جستارهای زبانی، ۲(۱)، ۱۳۹۰، ص ۲۱-۴۱.
- صادقی، علی اشرف، «را» در زبان فارسی امروز»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، ش ۹۳، ۱۳۴۹، ص ۹-۲۲.
- هوشمند، مژگان، «بررسی مفعول‌نمایی افتراقی در زبان فارسی با تکیه بر تأثیرپذیری»، پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، ش ۱۲، ۱۳۹۵، ص ۳۷-۵۳.

Hopper, P. J., & S. A. Thompson, "Transitivity in Grammar and Discourse", *Language*, 1980, pp. 251-299.

Karimi, Simin, "Aspects of Persian Syntax, Specificity and the Theory of Grammar", Unpublished Ph. D. Dissertation, University of Washington, 1989.

Rasooli, Mohammad Sadegh, Manouchehr Kouhestani, and Amirsaeid Moloodi. "Development of a Persian Syntactic Dependency Treebank". In *Proceedings of the 2013 Conference of the North American Chapter of the Association for Computational Linguistics: Human Language Technology*, Atlanta, USA, 2013, pp. 306-314.

Tesnière, L. *Grundzüge der strukturalen Syntax*, Hg. Und üs, von Ulrig Engel, Stuttgart, 1980.

